

اخلاق در پژوهشگری

دکتر سید ضیاء الدین تابعی*^۱ و فرزاد محمودیان^۲

۱. مدیر گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

۲. عضو هیأت علمی گروه اخلاق پزشکی دانشگاه علوم پزشکی شیراز

چکیده

در این مقاله با بیان ضرورت و اهمیت تحقیق و پژوهش براساس ساختمان آناتومی و فیزیولوژی بدن انسان به مراحل اوصاف روانی انسان پرداخته شده است و شرایط و ویژگی های اخلاق روانی یک محقق و پژوهشگر ایده آل ترسیم و تشریح شده است.

کلید واژه‌ها: پژوهشگری، اخلاق، تفکر، تحقیق

سرآغاز

چون بیاید مشتری خوش بر فروخت
مشتری علم تحقیقی حق است
دائماً بازار او با رونق است
از محقق تا مقلد فرق هاست
کاین چون داوودست و آن دیگر صداست
منبع گفتار این سوزی بود
وان مقلد کهنه آموزی بود

ضرورت و اهمیت پژوهش و تحقیق در ساختار نظام علمی کاملاً واضح و روشن است و اساساً یکی از هدف‌ها و انگیزه‌های سازمان‌ها و نظام‌های آموزشی در هر ملیت و جامعه‌ای تربیت و پرورش انسان‌هایی توانا در امور پژوهشی و تحقیقی است.

"یکی از شاخصه‌ها و مؤلفه‌های مهم برای ارزیابی میزان موفقیت نظام‌های آموزشی تعداد پژوهشگرانی است که تربیت کرده و در خدمت جامعه قرار می‌دهند."

فطرت پژوهشگری انسان

انسان خود موجودی است که تکویناً پژوهشگر است و همواره به دنبال کشف حقایق و واقعیت‌هاست و درصدد ارضاء حس حقیقت‌جویی و کنجکاوی خود به مرزهای تحقیق، کشف و پژوهش قدم می‌نهد تا تلاطم و التهاب رسیدن به اسرار هستی را در خود آرامش بخشد و پاسخ نادانسته‌ها را بیابد. قرآن کریم، بارها انسان را تشویق و ترغیب به "تبیین" و آشکار نمودن حقایق نموده است و خداوند متعال را حقیقت‌تمامی هستی معرفی می‌کند. "سَنرِیْهِمْ آیَاتِنَا فِی الْآفَاقِ وَ الْاَنْفُسِ حَتّٰی یَتَّبِعِنَ اِنَّهٗ الْحَقَّ"

رشد و شکوفایی مادی و معنوی تمدن‌ها و جو امع بشری در گرو پژوهش و تحقیق است و بین ترقی علمی هر جامعه‌ای با میزان پژوهش و تحقیقی که در آن جامعه به عمل می‌آید ارتباط مستقیمی وجود دارد. طبیعی است که عدم توجه و اهتمام جدی به انجام فعالیت‌های تحقیقی مایه رکود و عقب ماندگی در آن رشته علمی می‌گردد. بر این اساس پرورش پژوهشگر و محقق ایده‌آل از رسالت‌ها و وظایف اجتناب‌ناپذیر هر جامعه‌ای محسوب می‌گردد.

علم تقلیدی بود بهر فروخت

دکتر سید ضیاء الدین تابعی و فرزند محمودیان: اخلاق در پژوهشگری

گاهی که با سلاح فکر و عقل خویش به ابداعات و اکتشافاتی نایل آمده طغیان و سرکشی نموده، چرا که خود را از خداوند مستغنی و بی‌نیاز دانسته است. "انّ الإنسان لیطغی أن رآه استغنی" همانا انسان طغیان و سرکشی می‌کند، به این دلیل که خود را از خداوند بی‌نیاز و مستغنی می‌بیند.

و یا گاهی به جای تکریم مقام کبریایی پروردگار نسبت به او غرّه و گستاخ می‌گردد.

"یا ایها الإنسان ما غرک برّک الکریم"

ای انسان! چه چیز تو را نسبت به پروردگار بزرگوارتر غرّه و گستاخ نموده است؟!

تفاوت در پژوهشگری

اما اختلاف و تفاوت افراد در امر پژوهشگری مربوط به علو و مناعت طبع آنها می‌باشد. انسان‌هایی که علو طبع ندارند تفکر و تعقل خویش را در امور جزئی و صرفاً برای پرورش بدن و حداکثر عاطفه خویش صرف می‌کنند. به عبارت دیگر موضوع مورد پژوهش آن‌ها امور جزئی و کوچک است.

در حالی که انسان‌های عالی‌الطبع و بزرگ منش، موضوعات بزرگی نظیر خود "هستی" و "وجود" را مورد مطالعه و تحقیق قرار می‌دهند و حتی وجود و هستی، جهان آفرین، را مورد بررسی و هدف خویش قرار می‌دهند. "یا غایت آمال العارفین"

"انّ الی بک المنتهی"

آفت و آسیب‌پذیری پژوهشگری

تحقیق و پژوهش همانگونه که می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای بشر قرار گیرد و انسان را به کمال برساند، اگر در مسیر نادرست قرار گیرد و در "کف زنگی مست" نهاده شود، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را از خود به جای می‌گذارد.

چو دزدی با چراغ آید گزیده‌تر برد کالا

بنابراین ضرورت رعایت اخلاق پژوهشگری، نمایان می‌گردد تا با کاربرد اوصاف و ویژگی‌های روانی مثبت و کسب فضایل به تقویت و نیروبخشی خود بپردازد و با فاصله گرفتن از هجوم صفت‌ها و رزایل منفی اخلاقی، خود را از

آیات و نشانه‌های خود را در طبیعت و جهان هستی و در باطن و درون (انسان‌ها)، نشان می‌دهیم تا آشکار گردد که او (پروردگار) حق است.

بنابراین حق‌طلبی و حقیقت‌جویی که با سرشت آدمیان گره خورده است، انسان را به عرصه بی‌کرا و بی‌نهایت تحقیق و پژوهش سوق می‌دهد و او را به وادی و دنیای پژوهشگری وارد می‌کند.

اندیشه و تفکر انسان

چون انسان تکویناً پژوهشگر است برای رشد بدنی و جسمانی و سلامتی روانی خود نیازمند اندیشه و تفکر است. علی (ع) می‌فرمایند: "نیه التفکر قلبک" با فکر کردن و اندیشه قلب و درونت را آگاه‌ساز و در جای دیگری می‌فرمایند: "عقل و اندیشه فرستاده خداوند و معیار همه امور است.

عقل دشنامم دهد من راضی‌ام

ز آن که فیضی دارد از فیاضی‌ام

نبود آن دشنام او بی‌فایده

نبود آن مهمانی‌ش بی‌مائده

احمق ارحلوا نهد، اندر لبم

من از آن حلواوی او اندر تبم

ساختمان آناتومی فیزیولوژی بدن انسان در مقایسه با سیستم‌های آناتومی فیزیولوژی سایر موجودات زنده به نحوی است که اگر انسان از تفکر خویش و یا تحت قیومیت و تفکر سایرین نباشد قادر به ادامه حیات بیولوژیک خود نمی‌باشد. به عبارت دیگر سیستم حرکتی-گوارشی، ادوات حسی همگی ضعیف می‌باشند. اگر انسان از قدرت و توان تفکر و تعقل خویش استفاده نکند تا ابداعات و اختراعات و اکتشافات تحلیل‌نماید در تطابق با محیط طبیعی دچار مشکل گردیده و به زودی در معرض زوال قرار می‌گیرد.

باید گفت طبق تنازع بقا انسان نمی‌تواند حیوان تکامل یافته بیولوژیکی باشد، بلکه بر عکس تفکر و تعقل او باعث گردیده که بر محیط طبیعی مسلط گردد.

شاید از اسرار مهم خلقت انسان همین موضوع است که خداوند برای اینکه انسان عزیز باشد از نظر بیولوژیکی او را ضعیف آفریده است تا انسان به کمک فکر و عقل خویش این ضعف و کاستی را از بین ببرد.

البته باید دانست همین قدرت تفکر و خردورزی ممکن است مایه غرور و تکبر انسان شود و او را به ورطه هلاکت و نابودی بکشاند و تا جایی پیش رود که خود را به جای خدا بداند و ادعای دروغین "أنا ربکم الأعلى" را بنماید و

بعد از سه مرحله فوق نوبت به تفکر و تعقل می‌رسد که از چه راهی می‌توان انگیزه را عملی نمود. در اینجاست که محتاج راه و روش تحقیق می‌باشیم. مسلم است که انسان همیشه طالب کوتاه‌ترین و کم‌خطرترین راه می‌باشد. به همین دلیل از مربی خود می‌خواهد به او کوتاه‌ترین و آسان‌ترین راه را نشان دهد که زمینه تویب و سرگرانی او فراهم نشود. اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین أنعمت علیهم غیرالمغضوب علیهم و لا الضالین.

والذین جاهدوا فینا لنهدینهم سبیلنا

۵- مشورت:

در طول تاریخ اثبات شده است که تفکر به تنهایی کافی نیست و می‌بایست از تفکر و تجارب دیگران نیز استفاده نمود که همان اصل مشورت است. که طوطی داستان این کار را انجام داده است. بدیهی است طرف مشورت ما باید کسانی باشند که اهل نظر و عمل بوده باشند و در مشورت صادق و امین باشند. امام علی (ع) در این باره می‌فرماید: "افضل الناس رأياً من لا یستغنی عن رأی مشیر. بهترین آرا و اندیشه‌ها، از آن کسانی است که از مشورت با دیگران خود را بی‌نیاز نبینند.

کاین خردها چون مصابیح انور است

بیست مصباح از یکی روشن تر است

البته محقق بعد از مشورت باید حاصل فکر و مشورت را نیز مجدداً ارزیابی و نقد نماید.

۶- جرأت و شهامت:

همیشه هر قدر تفکر و تعقل و مشورت ما قوی باشد کافی نیست و به‌خصوص اگر موضوع تحقیق بزرگ باشد خطر ناکامی وجود دارد. در همین داستان طوطی بعد از دریافت پیام از طوطی‌های آزاد باید خود را شبیه مردگان می‌کرد که البته مخاطره آمیز بود. چون امکان داشت بازرگان او را بسوزاند یا دفن کند. بنابراین جرأت و شهامت لازم است. امام علی (ع) می‌فرماید: "چون از کار (بزرگی) ترسیدی خود را در آن بیفکن (شهامت و جرأت داشته باش).

۷- صبر:

حالت روانی مثبت دیگر این است که مراحل شش گانه فوق به سرعت قابل انجام نیست و رسیدن به هدف به‌خصوص اهداف بزرگ سهل الوصول نمی‌باشند. لذا صبر از شروع تا پایان مراحل لازم است.

آسیب‌ها و آفت‌های فعالیت‌های علمی پژوهشی برهاند، تا به یک پژوهشگر ایده‌آل تبدیل شود.

داستان طوطی و بازرگان از کتاب مثنوی مولوی مراحل و چرخه تقویت روانی و کسب اوصاف روحانی را به خوبی نشان می‌دهد که خود می‌تواند دستورالعمل و آیین‌نامه‌ای کاربردی برای کسب مهارت لازم در دستیابی به شخصیت ایده‌آل و آرمانی پژوهش باشد.

مراحل تقویت روحی و روانی

۱- شناخت و معرفت:

اگر طوطی معرفت و شناختی نسبت به آزادی نداشت و آن را موهبتی بزرگ نمی‌دانست هیچ‌وقت برای کسب آن کوشش نمی‌کرد.

بنابراین اولین گام برای هر محقق شناخت و معرفت نسبت به نقصانی است که در خود می‌یابد.

۲- نیاز:

امام علی (ع) فرموده‌اند: "العلم خیر دلیل" معرفت و شناخت بهترین راهنماست و رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: "سارعوا فی طلب العلم" در کسب علم و معرفت بشتابید.

علم نور است و جهل تاریکی

علم راهت برد به تاریکی

علم نیرو دهد کمالت را

عقل اجابت کند سؤالت را

"اوحدی"

اگر شناخت و معرفت نسبت به نقص زیاد باشد بالاخره در انسان حالت نیاز ایجاد می‌کند و تا زمانی که شناخت نقص در انسان نیاز ایجاد نکند حرکتی از او در جهت رفع نقص دیده نمی‌شود.

مجموع این دو حالت را می‌توان همان انگیزه Motivation نام نهاد و دیگر سخن اینکه انسان بعد از شناخت و نیاز، انگیزه‌دار می‌شود.

۳- عزم و اراده:

همان‌طور که در مورد شناخت گفته شد اگر شناخت به نیاز منجر نشود انگیزه ایجاد نمی‌شود. اگر اراده قوی به وجود نیاید انگیزه از مرحله نظر به مرحله عمل در نمی‌آید.

۴- اندیشه و تفکر:

مشورت، صبر و توکل را به من داد و همچنین مواد اولیه تحقیق را از قبل فراهم نمود تا من موفق به ابداع و اکتشافی شدم تا بدین وسیله از غرور که یکی از آفات تحقیق می باشد مصون بمانم.

در حالت دوم کظف لاهراً موفقیتی حاصل نشده است باید این ذکر را زمزمه نمود: سبحان الله؛ یعنی تنها خداوند است که منزّه از خطا و شکست است.

ولی انسان جایز الخطاست و بدین ترتیب از عارضه کشنده یأس مصون بماند. قرآن می فرماید: "لا تقنطوا من رحمت الله" از رحمت خداوند ناامید نگردید و در جای دیگر می فرماید: "لا تياسوا من روح الله" از روح خداوند مأیوس و ناامید نگردید.

نتیجه و جمع بندی

حال اگر بخواهیم صفات و ویژگی های محقق و پژوهشگر ایده آل را برشماریم، می توان گفت محقق ایده آل شخصی است که:

- ۱- در پرتو نکات فوق به تفسیر حقایق هستی نائل آید (مفسر باشد)
- ۲- بعد از تفسیر عملاً تغییرات مفیدی را در خود، محیط و دیگران به وجود آورد (مغیر)
- ۳- دارای علو طبع باشد. به عبارت دیگر منش و سلوک او عرفانی باشد.
- ۴- دارای منش ولایی باشد که نتایج تحقیق را هم چون پدر و مادری مهربان در اختیار سایرین نیز قرار دهد.

۵- از غرور خود بکاهد.

۶- مأیوس نشود.

لازمه کلیه موارد فوق نیز آن است که اوصاف منفی مثل قضاوت عجولانه، قیاس های غلط، حسادت و بخل نداشته باشد. چنانکه در داستان سقا و میراخور آمده است. چون همگی آفت درست اندیشیدن می باشند. چه بسا افراد بسیار زیرک و باهوش و متفکر که به علت اوصاف هیجانی منفی یا به عبارت دیگر ضعف هوش هیجانی (EQ) Emotional Intelligence به انسان های مخرب و ضد اجتماعی تبدیل شده اند.

هر پژوهشگری مناسب است مانند ابن سینا برای خود عهدنامه ای تنظیم نماید و همچنین موارد ذکر شده را در قالب مناجات نامه همواره با خود نجوا نماید. به عنوان نمونه عهدنامه و مناجات نامه ای که برای پژوهشگران پزشکی تهیه شده است ذکر می گردد.

اگر محقق تمام این اوصاف را در خود تقویت نموده و یا به وجود آورد می توان گفت موفقیت او حتمی است. به عبارت دیگر محقق با این اوصاف مثبت را می توان عاشق نامید. به تعبیر شهید مطهری: "انسان باید به کارش عشق داشته باشد ... آن وقت است که شاهکارها به وجود می آورد، که شاهکار ساخته عشق است نه پول و درآمد. با پول می شود کار ایجاد کرد، ولی با پول نمی شود شاهکار ایجاد کرد."

علم دریایی است بی حد و کنار
طالب علم است غواص بحار
گر هزاران سال باشد عمر او
او نگردد سیر خود از جست و جو

"دانشجویان به شوخی از استاد خود می پرسند که در کار علم چگونه می توانند به مقام بازرگانی چون پاولوف رسند. استاد، به جد پاسخ می دهد: بامداد در آغوش مسئله مطلوب خود از خواب بیدار شوید، با مسئله خود صبحانه بخورید، با آن به آزمایشگاه بشتابید، به هنگام ناهار خوردن همراه آن باشید، پس از ناهار آن را نزد خود نگه دارید، با آن به بستر بروید و آن را به خواب ببینید."

ذکر نکته ای نیز در اینجا برای تکمیل بحث لازم است و آن این که انسان هر قدر هم عاشق باشد ولی امکان شکست هایی نیز وجود دارد. لذا انسان در طی مراحل فوق تا حد زیادی موفق و با درصد کمی احتمال دارد با شکست مواجه شود.

موفقیت و شکست منجر به دو حالت روانی دیگر می گردند که محقق باید نسبت به آنها آگاهی داشته باشد و از آنها اجتناب نماید:

۱- غرور

۲- یأس

اگر موفق شد باید بداند موفقیت تنها مربوط به او نبوده و عوامل متعددی دست اندر کار بوده اند که بعضی از آنها از روی نعمت و موهبت به او اعطا شده است. چنانکه پاستور این موضوع را به خوبی بیان کرده است که "این کشفیات که به پاستور نسبت می دهیم حاصل تلاش متفکران قبل از او نیز می باشد و یا این جمله مشهور نیوتن که "اگر توانسته ام (افق را) اندکی دورتر از دیگران بنگرم، بدان سبب است که بر شانه های غولان ایستاده ام." لذا بهتر است انسان در آنجا به جای غرور خاضع گردد و این ذکر را زمزمه کند که الحمدلله رب العالمین. ستایش مخصوص اوست که موهبت عقل، فکر،

عهدنامه

اکنون که با استعانت و الطاف پروردگار و معاضدت‌های اساتید و پشتیبانان خوش توفیق ورود به دانشگاه علوم پزشکی را پیدا نموده‌ام:

با شاهد گرفتن حضرت حق و در مشهد ارواح پیامبران و اولیاء الهی و کلیه عالمان و صالحان بشری عهد می‌بندم:

۱- دانش نظری و مهارت‌های فن سلامت را محققانه بیاموزم.

۲- چنان در فراگیری دانش نظری پیشروی نمایم که بتوانم پدیده‌های مربوط به سلامت و ارتقاء آن را تفسیر نمایم.

۳- چنان در ابداع فنون عملی موفق گردم که بتوانم تغییرات عمده‌ای در درمان و پیشگیری بیماری‌ها انجام دهم.

۴- در فراگیری دانش نظری و ابداع فنون عملی پیوسته علو طبع خویش را فراموش نمایم.

۵- دانش و فنون به دست آمده را جهت سلامتی خویش و دیگران، ایثارگرانه در اختیار حاجتمندان قرار دهم.

۶- چنان‌چه با وجود سعی و تلاش وافر گهگاهی با شکست مواجه شدم، با توجه به اینکه فاقد نقص‌مح صراً حضرت حق می‌باشد از یأس خویش بکاهم.

۷- پس از صید گوهرهای دانش و مرواریدهای فن سلامت با یادآور این که تنها خداوند است که شایسته ستایش است سعی نمایم از غرور خویش بکاهم.

مناجات نامه

پروردگارا برای این که بتوانم به تعهدات خود عمل نمایم:

۱- قوه شناخت و کلی‌نگری به من عطا فرما.

۲- شناخت از جهان هستی را به نحوی به من عطا فرما که نیاز ایجاد نماید.

۳- به نحوی شناخت و نیاز را گسترش ده که به انگیزه منجر شود.

۴- برای جامه عمل پوشاندن به انگیزه‌ها مرا از متفکرین قرار بده.

۵- برای استفاده بهتر از تفکر با کاهش غرور حالت مشورت نمودن را در جانم عنایت فرما.

۶- برای انجام کارهای بزرگ شجاعت و شهامت لازم را عطا فرما تا با توکل به تو به پایان برسانم.

۷- در همه امور یاد شده، استقامت و پایداری و آرامش قلب که از موهبت‌های خاص تو می‌باشد نصیبم فرما.

۸- با غفران و رحمت خویش، مرا از رذائلی چون حسد، کبر، دروغ و بهتان که از عوامل نفس اماره اند و مانع تحقیق می‌شوند حفظ فرما.

داستان طوطی و بازرگان

در یکی از شهرها، مرد بازرگانی بود که طوطی زیبا و خوش‌نوازی داشت. او پرنده را در قفس قرار داده و با آن انس بسیاری داشت. روزی بازرگان قصد مسافرت به سوی هندوستان نمود و خویشان و دوستان خود را نزد خود جمع کرده و از آن‌ها پرسید: "چه می‌خواهید که در این سفر برای شما سوغاتی بیاورم؟" هر کس چیزی درخواست کرد. او سپس نزد طوطی شیرین سخن خود رفت و طوطی گفت: "وقتی به هندوستان رسیدی و طوطی‌ها را آزادانه در جنگل و صحرا و چمن دیدی، نزد آن‌ها یادی از محرومیت و گرفتاری من کن، و از قول من به آن‌ها بگو: "شما این‌گونه آزاد و خرم، ولی من در قفس اسیر مانده، شما را به خدا یک صبحدم در مرغزار از من یاد کنید، وفا و محبت را از یاد میرید.

یاد آرید ای مهان زین مرغزار

یک صبحی در میان مرغزار"

بازرگان به هندوستان رفت و در آنجا وقتی طوطیان آزاد و خرم را دید، پیام طوطی خود را به آنها ابلاغ کرد، ناگهان دید یکی از طوطی‌ها لرزید و بر زمین افتاد و نفسش قطع شد. بازرگان بسیار متأثر گردید و اظهار پشیمانی کرد که چرا سبب قتل طوطی زیبا شده است. مبادا این طوطی از خویشان طوطی من بود که به یاد او پرپر زد و مرد:

این مگر خویش است با آن طوطیک

این مگر دو جسم بود و روح یک

این چرا کردم؟ چرا دادم پیام؟

سوختم بیچاره را زین گفت خام

بیرون آورد و بر زمین نهاد. ناگهان طوطی به پرواز درآمد و بر بالای درختی نشست.

بازرگان به وطن بازگشت و سوغاتی‌های خود را به خویشان و دوستان داد و سپس نزد طوطی عزیز خود رفت و جریان را از اول تا آخر برای او بیان کرد. ناگهان دید طوطی زیبایی در میان قفس افتاد! بازرگان خیال کرد که طوطی مرده است. بنابراین با کمال ناراحتی، در قفس را گشود و جسد بی‌جان طوطی را از قفس

داستان سقا و میر آخور

در نصیحت گفت روزی کای پسر
گشته از محنت دو تا چون چنبری
عاشق جو تا بروز مرگ خویش
در عقب زخمی ز سیخ آهنی
کاشنای صاحب خر بود مرد
کز چه این خر شد دو تا همچون هلال
خود نمی یابد جو این بسته دهن
تا شود در آخر شه زورمند
در میان آخور سلطاننش بست
با نوا و فربه و خوت و جدید
که به وقت و جو به هنگام آمده
پوز بالا کرد کای رب مجید
از چه زار و پشت ریش و لاغرم
آرزومندم به مردن دمبدم
من چه مخصوصم به تعذیب و بلا
تا زبان را وقت زین و کار شد
رفت پیکان‌ها در ایشان سو بسو
اندر آخور جمله افتاده ستان
نعلبندان ایستاده بر قطار
تا برون آرند پیکان‌ها ز ریش
من به فقر و عافیت دارم رضا
هرکه خواهد عافیت، دنیا بهشت

یک حکایت یاد دارم از پدر
بود سقایی مر او را یک خری
پشتش از بار گران ده جای ریش
جو کجا از گاه خشک او سیر نی
میر آخور دید او را رحم کرد
پس سلامش کرد و پرسیدش ز حال
گفت کز درویشی و تقصیر من
گفت بسپارش به من تو روز چند
خر بدو بسپرد و از زحمت برست
خر ز هر سو مرکب تازی بدید
زیر پاشان رفته و آبی زده
خارش و مالش مر اسبان را بدید
نه که مخلوق توام گیرم خرم
شب ز درد پشت و از جوع شکم
حال این اسبان چنین خوش با نوا
ناگهان آوازه پیکار شد
زخمهای تیر خوردند از عدو
از غزا باز آمدند آن تازیان
پایه‌اشان بسته محکم با نوار
می شکافیدند تنه‌اشان به نیش
چون خران را دید پس گفت: ای خدا
ز آن نوا بیزارم و ز آن زخم زشت

منابع

۱- قرآن کریم

۲- نهج البلاغه، ترجمه سیدجعفر شهیدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی،

چاپ چهاردهم، ۱۳۷۸.

دکتر سید ضیاء الدین تابعی و فرزاد محمودیان: اخلاق در پژوهشگری

- ۳- غررالحکم و دررالحکم، عبدالواحد الامری، بیروت: مؤسسه الاعلمی المطبوعات، ۱۴۰۷
- ۴- شریفی احمدحسین، آیین زندگی و اخلاق کاربردی، دفتر نشر معارف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها.
- ۵- آریان پور ا.ج، پژوهش، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۶۲
- ۶- مطهری مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا، چاپ شانزدهم، ۱۳۶۸
- ۷- کلینی شیخ محمد، اصول کافی.
- ۸- حکیمی محمدرضا، محمد و علی. الحیات، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۰۸ ق
- ۹- پاینده ابوالقاسم. نهج الفصاحه. سازمان چاپ و انتشارات جاویدان. تهران.

